



Feasibility of compensatory damages for spiritual damage caused by the emission of electromagnetic waves in the seas, focusing on the approach of the legal rule of harmless and French law

Mojgan Motalebi ¹, Mahmud Ghaumzadeh ², Mohammad Rasool Ahangaran ³

1. PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran., Email: motaleby16@yahoo.com

2. Professor, Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran (Corresponding author), Email: maarefteacher@yahoo.com

3. Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, Farabi Colleges, University of Tehran, Qom, Iran. Email: ahangaran@ut.ac.ir

Abstract

This research, with an analytical and comparative method, has dealt with the feasibility of compensation for spiritual damage caused by the emission of electromagnetic waves in the seas, focusing on the approach of the legal rule of harm and French law. The special achievement of this research points to the fact that in jurisprudence texts no way has been foreseen to compensate for this type of unforeseen damages and the implementation of hadd, ta'zir, qisas and payment of dowry compensates only some examples of spiritual damage to some extent. The results of the research show that: in French law, material and spiritual damages can be compensated, but this damage must be obviously unusual and have a special importance. Also, the rules of civil liability in Iranian and French laws for sending electromagnetic waves are based on avoiding undue harm to others and, if necessary, compensating for the losses incurred, which can be considered in the light of the harmless rule in Iranian law. On the other hand, the loss of spiritual damage caused by the release of electromagnetic waves in the seas, the claim of non-profit in this system has become an undeniable loss. In French law, special laws and judicial procedure for the compensation of moral damage caused by sending waves of organized persons have been accepted. However, in Iranian law, a special law regarding the compensation of such losses has not been approved, and there is no consensus in the jurisprudence from which the right to demand compensation for collective damages can be inferred.

Key words: spiritual damage, jurisprudence, spiritual damage, harmless rule, French law, damage caused by electromagnetic waves.

Received:
2023/10/04
Revised:
2024/08/27
Accepted:
2025/01/11
**Published
online:**
2025/12/22

How To Cite: Motalebi, M; Ghaumzadeh, M & Ahangaran, A (2025). Feasibility of compensatory damages for spiritual damage caused by the emission of electromagnetic waves in the seas, focusing on the approach of the legal rule of harmless and French law, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12(4), 199-232. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.9931.2459>



امکان‌سنجی جبران زیان خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در دریاها با تمرکز بر رویکرد قاعده فقهی لاضرر و حقوق فرانسه

مژگان مطلبی^۱، محمود قیوم‌زاده^۲، محمدرسول آهنگران^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه: motaleby16@yahoo.com

۲. استاد گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: maarefteacher@yahoo.com

۳. استاد گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: ahangaran@ut.ac.ir

چکیده

این جستار با هدف امکان‌سنجی جبران زیان خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در دریاها انجام شده است. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی امکان‌سنجی و شیوه‌های جبران زیان خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در دریاها در گستره فقه و حقوق فرانسه پرداخته است. با توجه به مسئله اصلی پژوهش در قانون مسئولیت مدنی جمهوری اسلامی ایران مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ به خسارت معنوی و نحوه‌ی جبران خسارت معنوی پرداخته است. همچنین با بررسی‌های انجام شده نشان داده شد در قوانین مدنی کشور فرانسه به خسارت معنوی و نحوه‌ی جبران آن نیز پرداخته شده است. در متون فقهی نیز شیوه‌ای برای جبران این نوع از خسارت پیش‌بینی نشده و اجرای حد، تعزیر، قصاص و پرداخت دیه تنها برخی از مصادیق خسارت معنوی را تا حدودی جبران می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق فرانسه خسارت‌های مادی و معنوی قابل جبران است، ولی باید این خسارت آشکارا غیرعادی بوده و اهمیتی خاص نیز داشته باشد. همچنین قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه در قبال ارسال امواج الکترومغناطیس مبتنی است بر اجتناب از اضرار ناروا به دیگران و در صورت لزوم جبران ضررهای وارده که در حقوق ایران در پرتو قاعده لاضرر قابل تأمل است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که جبران کامل خسارت معنوی امری ناممکن است به این دلیل که معیاری برای اندازه‌گیری دقیق آن وجود ندارد و لذا از هر طریقی که بتواند رضایت خاطر و تسکین روحی زیان‌دیده را فراهم نماید بایستی استفاده کرد. با توجه به رویه قضایی می‌توان گفت که دو معیار برای جبران خسارت معنوی وجود دارد. مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین معیار جبران خسارت معنوی، شیوه جبران مالی است. معیار دیگر جبران خسارت معنوی نیز شیوه جبران غیرمالی است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۷/۱۲

تاریخ اصلاح:

۱۴۰۳/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی: خسارت معنوی، فقه، خسارت دیده معنوی، قاعده‌ی لاضرر، حقوق فرانسه، خسارت امواج الکترومغناطیس.

استناد: مطلبی، مژگان؛ قیوم‌زاده، محمود و آهنگران، محمدرسول (۱۴۰۴). امکان‌سنجی جبران زیان خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس

در دریاها با تمرکز بر رویکرد قاعده فقهی لاضرر و حقوق فرانسه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۴)، ۲۳۲-۱۹۹. <http://www.doi.org/>

10.22091/csiw.2025.9931.2459



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

مسئولیت مدنی ضرر نارواست و مهم‌ترین مبنای جبران ضرر در فقه و حقوق داخلی قاعده لاضرر است، اما برای تعیین مرزهای مسئولیت وارد آورنده زیان اوصاف و شرایط گوناگونی مطرح شده که بر کلیات آن توافق نسبی میان دانشمندان وجود دارد. اما در عمل به جزئیاتی برخورد می‌کنیم که لزوم تعریف دقیق از اوصاف مذکور را روشن می‌کند. یکی از این اوصاف مستقیم بودن خسارت است، اما با توجه به اصول حقوقی و قوانین موضوعه و نیز با در نظر گرفتن اصول عدل و انصاف و نیز قاعده بسیار مهم لاضرر و با توجه به پیچیدگی‌های جامعه مدرن و حتی انسان مدرن چه خساراتی را می‌توان مستقیم شمرد و چه مرزی می‌توان برای مطالبه خسارات از واردکننده زیان در نظر گرفت؟ توجه به روابط جدید بشری در هزاره‌ی سوم لازمه یک نظام حقوقی پویا و کاربردی است، لذا در نظام حقوقی کنونی می‌توانیم با استفاده جدید از ابزارهای قدیم حقوقی مانند قواعد کاربردی فقهی و تفاسیر بروز از مواد قانون مسئولیت مدنی و خصوصاً با در نظر گرفتن عرف و عادت به پیشرفت‌هایی که کشورهای صنعتی دنیا در تأمین امنیت اقتصادی و روانی شهروندان دست‌یافته‌اند، برسیم و با وسعت نظر با مسائلی همچون خسارت‌های مازاد بر دیه و خسارات معنوی، خسارات ازکارافتادگی برخورد کنیم و ضمن در نظر گرفتن حقوق مسئول زیان به بازگرداندن حال زیان‌دیده به قبل توجه کنیم.

بر این اساس لازم است ضمن بررسی جامع دیدگاه فقه در زمینه ایراد خسارت معنوی راهکارهای مطالبه و جبران آن بررسی شود. خصوصاً که در مذاهب خمسسه اسلامی اختلاف‌های اندکی می‌توان یافت که لازم است مطالعه تطبیقی در این حوزه انجام گیرد و ضمن تبیین این راهکارها، مقایسه‌ای تطبیقی در مذاهب خمسسه اسلامی انجام پذیرد. توضیح اینکه بحث خسارات معنوی و مصادیق مختلف آن و روش محاسبه این‌گونه خسارت‌ها و نیز جبران ضررهای معنوی و متعاقب آن اعاده حیثیت در ضرر معنوی در نگاه فقهی و مذاهب مختلف اسلامی، از جمله موضوعات قابل توجه و در عین حال نسبتاً پیچیده در حقوق اسلامی و فقه مذاهب هست. لذا پرداختن به این موضوع و دستیابی به راهکارهای آن از اهمیت خاصی برخوردار است. علی‌رغم وجود زمینه‌های مناسبی در متون فقهی امامیه چون قاعده لاضرر، لاجرح و قاعده تسبیت هنوز

عده‌ای از فقها امکان جبران خسارت را مشکل می‌دانند. البته متون قانونی فعلی هم به اندازه کافی روشن نیستند و موجبات احقاق حقوق بسیاری از خسارت دیدگان که در قلمرو حقوق معنوی زیان‌های جبران‌ناپذیری تحمل کرده‌اند، کاملاً فراهم نیست. لذا برای دستیابی به موضع حقوق اسلامی و مذاهب فقهی و حقوق ایران بایسته است. برخلاف خسارت‌های مادی، مصادیق دیگر خسارت تحت عنوان «خسارت معنوی» به جهت آنکه کثرت بروز این نوع خسارت‌ها و اهمیت آن در جامعه‌ی امروز به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد خسارات وارده بر روح و روان و شخصیت و احساسات و عواطف فرد سنگین‌تر از خسارت جسمی و مالی بوده و قابل مقایسه با آن نیست و از سوی دیگر غفلت و بی‌توجهی نسبت به این گونه خسارات در نظام حقوقی مبتنی بر اسلام، با روح و قوانین اسلامی مغایرت دارد و آن را غیرعادلانه و غیر کارآمد جلوه می‌دهد و موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، لذا پرداختن به این موضوع و دستیابی به راه کارهای آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارنده منبع و یا تحقیقی که به صورت جامع به بررسی جبران زیان خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در دریاها بپردازد، مشاهده نمی‌شود. در ذیل به بررسی تعدادی از تحقیقات پیشین اشاره خواهیم کرد.

علی صفری واریانی، «مطالعه و ارزشیابی میزان ریزموج‌ها^۱ در قسمت ترافیک هوایی مهرآباد و بررسی اثرات آن بر سلامت کارکنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهداشت حرفه‌ای، دانشکده پزشکی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۱، نگارنده در این مقاله به صورت موردی به بررسی و ارزشیابی میزان ریزموج‌ها در قسمت ترافیک هوایی مهرآباد و بررسی اثرات آن بر سلامت کارکنان پرداخته است. اما راجع به مباحث حقوقی و مسئولیت مدنی ناشی از آن صحبتی نشده است (ناصر قاسمی و فلورا حیدری، ۱۳۹۰، «بررسی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی» فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، مقاله ۱۶، دوره ۱۳، شماره ۳۴).

حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب می‌شود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با وجود این، حقوق مسئولیت مدنی نیز نسبت به ادای چنین تکلیفی بیگانه نیست. قواعد

سنتی مسئولیت مدنی در پاسخگویی به ضررهای زیست‌محیطی کارآمد نیست. به همین مناسبت، پارلمان و شورای اروپا در سال ۲۰۰۴ دستورالعملی درباره مسئولیت ناشی از تجاوز به محیط‌زیست تصویب کرد که اشخاص حقوقی ملزم هستند قواعد آمرانه آن را به قانون ملی خود وارد کنند. هدف اصلی در طراحی دستورالعمل، پیشگیری و جبران ضررهای زیست‌محیطی با رعایت «اصل آلوده کننده باید پردازد» است. فرشته السادات میرطاهری، زهرا سمایی، زهره کسمایی، زهرا ملک سیاه‌چشم (۱۳۹۲) سنجش میزان امواج الکترومغناطیس در تعدادی از پارک‌های شهر تهران: در این مقاله شدت امواج الکترومغناطیس در چند پارک عمومی که محل تردد و تفرجگاهی مردم محسوب می‌شود و دکل‌های (BTS) ۱ نیز نصب شده است در ساعتی از روز که محل تردد و پررفت‌وآمد است و بیشترین سطح تابشی را که ممکن است مردم در معرض آن قرار گیرند اندازه‌گیری شده است و با استاندارد (ICNIRP)^۲ مقایسه گردیده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بیشترین مقدار در پارک پرند واقع در مرزداران است که این مقدار ۱۴/۷ ولت بر متر است که در مقایسه با استاندارد شدت امواج ۴۴ ولت بر متر باز هم پایین‌تر از حد مجاز است. انوشیروان کاظم‌زاده، محمد احتشامی، ساره صمدی (۱۳۹۲). «بررسی اثرات میدان‌های الکترومغناطیس بر پیامدهای سلامت: مطالعه مروری سیستماتیک».

با توجه به مشخص نبودن اثرات ناشی از میدان‌های الکترومغناطیس نظیر دکل‌های BTS و پارازیت مطالعه حاضر با هدف بررسی این اثرات در قالب یک مطالعه مروری سیستماتیک انجام شده است. نوآوری تحقیق حاضر از آنجایی است که فقه و حقوق اسلامی، نسبت به تکلیف عمومی حفاظت از محیط‌زیست و جبران خسارات ناشی از لطمه به محیط‌زیست بیگانه نیست، ولی قواعد مرسوم آن در پاسخ‌گویی به این موضوع و منافع و حقوق عمومی کارآمد نیست. بدین جهت در این پژوهش تلاش گردیده تا ابتدا تعریف جامع و کاملی از محیط‌زیست ارائه گردد آنگاه دیدگاه‌های فقها و حقوق‌دانان در این مورد تحلیل و ارزیابی گردد و در ادامه به مبانی فقهی مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران بر مبنای رویکرد قاعده فقهی لاضرر و حقوق فرانسه پرداخته شود.

1. Base Transceiver Station.

2. International Commission on Non-Ionizing Radiation Protection.

۱. مفهوم‌شناسی

«مسئولیت مدنی جزو وقایع حقوقی است چون حتی در جایی که شخصی عمداً به دیگری ضرری می‌زند یا از اجرای قراردادی خودداری می‌کند، قصدش مسئولیت خود نیست، بلکه مسئولیت را قانون بر او تحمیل می‌کند.» (سلیمی، ۱۳۹۰: ۳۰). مفهوم و مصادیق و مبانی مسئولیت که ریشه فقهی و سنتی دارد و حقوق و خسارت معنوی و روش‌های حمایت و جبران در ساختار حقوقی اسلام مورد مطالعه قرار گیرد. طبیعی است که مقاومت در مقابل این خواست منطقی جامعه نوعی امتناع از حق محسوب می‌گردد و مالا ضایعات بسیاری را به دنبال خواهد داشت. در زبان فرانسه، در مورد هر دو دسته از اعمال (مجاز و غیرمجاز) واژه^۱ استفاده می‌شود. با این تمایز که پسوند «civile» در زبان فرانسه گونه دوم مسئولیت یعنی همان مسئولیت مدنی را از گونه نخست آن متفاوت می‌کند. در زبان فارسی نیز مانند زبان فرانسه، به جهت رهایی از این تشابه از اصطلاح «مسئولیت مدنی» استفاده می‌شود. در آغاز باید دید در روش و رویکرد عملی مسئولیت مدنی در حوزه بین‌الملل چه جایگاهی داشته است و در رژیم قراردادی مثال‌های آن کدام هستند (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹-۴۵).

قاعده لاضرر از مشهورترین قواعد فقهی بوده که در بیشتر ابواب فقه به آن استناد می‌شود و به موجب این قاعده، هرگونه ضرری در دایره تشریح نفی شده است. این قاعده علاوه بر مستندات قرآنی و روایی، بنای عقلایی نیز دارد، بدین معنی که در زندگی مدنی، زیان رساندن به دیگران اولاً امری ناپسند بوده و ثانیاً عامل زیان در مقابل زیان‌دیده مسئول پرداخت خسارت است که این ضرر و جبران خسارت تنها شامل ضررهای مستقیم نمی‌شود بلکه شامل ضرر و جبران خسارت در صدمات غیرمستقیم نیز می‌گردد (پروین، ۱۳۹۰: ۵۴). بنابراین مراد از «لاضرر و لاضرار» این است که در اسلام حکم ضرری وضع نشده است، یعنی شارع مقدس نه در احکام تکلیفیه و نه در احکام وضعیه، حکمی را جعل نکرده است که از ناحیه آن مکلف ضرر ببیند.

۱-۱. خسارت معنوی

شخصیت انسان در همه نظام‌های حقوقی محترم و مورد حمایت است و مقررات مختلفی برای حمایت از شخصیت فیزیکی (جسمانی) و روانی (معنوی) وی پیش‌بینی شده است (امیری و دیگران، ۱۴۰۰: ۴). در حوزه فقه، اقبال چندانی نسبت به اصطلاح خسارت معنوی نشان داده نشده و نزد فقها تعریفی از خسارت معنوی نمی‌بینیم؛ اما در حوزه حقوق، به تعریف‌های متعددی از خسارت معنوی در نزد حقوق‌دانان برمی‌خوریم. «خسارات معنوی شامل موارد زیر می‌شود: آسیب‌های جسمانی، اضطراب و نگرانی روحی، ترس و وحشت تشویش‌های جدی لطمه به شهرت و معروفیت جریحه‌دار نمودن احساسات ضربه‌های روحی و اخلاقی تحقیر اجتماعی و آسیب‌های مشابه. . . .» (توپا ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۶۹). اجمالاً می‌توان گفت این نوع خسارت به نحوی دربرگیرنده کلیه خسارات وارده بر آزادی و حیثیت و اعتبار افراد و اشخاص و احساسات و عواطف خانوادگی و مذهبی، ملی و بعد غیرمالی آفریده فکری، هنری، علمی و صنعتی و . . . هست.

۲-۱. جبران خسارت معنوی

جبران خسارت معنوی ممکن است بدون مراجعه مستقیم به دادگاه، مثل مصالحه و یا با استفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، مثل داوری و . . . صورت پذیرد و یا به شکل توافقی و با مراجعه مستقیم به دادگاه صالح و انشاء حکم تحقق پیدا نماید (افشار، ۱۴۰۰: ۵۴). در یک نگاه کلی دادگاه‌ها ممکن است برای جبران خسارت معنوی، یکی از روش‌های زیر را اعمال کنند:

موارد متعدد و بسیاری نیز از این طیف بوده‌اند که در آن کشورها توسط زیان‌های واردشده توسط اشخاص حقیقی اقدام به تلافی خسارت زیان‌دیدگان و محیط‌زیست دیگر دولت‌ها نموده‌اند. جملگی این مسائل بیانگر این مهم است که برخی اوقات آسیب و غرامت وارده به دولت متبوع می‌تواند منجر به ایجاد مسئولیت و الزام تلافی زیان گردد؛ اما این دقیقه هنوز تا حدی در پهنه حقوق بین‌الملل ترقی و رشد نکرده است که بتوان تحت عنوان یک تعهد عرفی درباره آن کلام به میان آورد و ناگزیر باید در حقوق قراردادی به تدقیق آن پرداخت (پروین، ۱۳۹۰: ۷۸).

۳-۱. عناصر خسارت معنوی

عناصر خسارت معنوی را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. دست‌کم وجود دو شخص، خسارت زنده و خسارت دیده، لازم است؛
۲. خسارت دیده معنوی، اعم از شخص حقیقی و حقوقی است؛
۳. خسارت معنوی و اسباب ایجاد آن، دو مقوله متفاوت هستند؛
۴. صدمات روحی یا کسر حیثیت و اعتبار افراد، مصادیق خسارت معنوی وارده به اشخاص حقیقی است که ممکن است به سبب نقص بدنی، سلب آزادی، توهین، قذف، افشاء اسرار و . . . ایجاد شود. اگر این اسباب دارای عنوان مجرمانه باشند، آثار کیفری خود را دارند و از حیث عمومی قابل مجازات کیفری هستند و از بابت حیثیت خصوصی، زیان دیده می‌تواند مطالبه خسارت معنوی نماید؛
۵. صدمات روحی تنها ناظر بر شخص حقیقی بوده و در مورد اشخاص حقوقی متصور نیست، از این رو اشخاص حقوقی می‌توانند از بابت کسر حیثیت و اعتبار خود، مطالبه خسارت معنوی نمایند. منظور از صدمات روحی هرگونه لطمه به احساسات، عواطف، علائق و عقاید و ایجاد تألم روحی و یا دردهای ناشی از صدمه جسمی هست؛
۶. خسارت می‌بایست از ناحیه غیر وارد آید، بنابراین خسارتی که از عمل فردی ناشی و موجب رنج روحی وی شود، خارج از بحث خسارت معنوی است؛
۷. خسارت معنوی وارده، می‌بایست در اثر عمل بدون مجوز قانونی به وجود آمده باشد؛
۸. خسارت وارده ممکن است واجد هر دو جنبه معنوی و مادی و یا معنوی صرف باشد (توپا ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۳۲).

۴-۱. رویه فقها در تقویم خسارت معنوی

رویه فقها در شریعت اسلامی حاکی از آن است که در مواردی خسارت معنوی توسط آنان تقویم شده است. برای نمونه در بحث دیه، چگونگی تقویم شده است که میزان دیه هر دو چشم سالم دیه کامل و دیه هر کدام از

آن‌ها نصف دیه کامل و یا دیه هر انگشت عشر دیه کامل باشد! و یا مردی که پس از نکاح و قبل از نزدیکی، همسر خویش را طلاق دهد می‌بایست نصف مهر را به او بدهد! بنابراین رویه فقها در چنین مواردی خط بطلانی است بر نظر کسانی که معتقدند در شرع خسارت معنوی قابلیت تقویم به پول را ندارد و جبران خسارت معنوی از طریق مادی را خلاف شرع می‌دانند. بر اساس این نظر بنای عقلاً پشتوانه محکمی برای قاعده ضرر است بنای عقلاً در این امر محقق است که در زندگی اجتماعی و مدنی، زیان رساندن به دیگران اولاً امری ناپسند بوده و ثانیاً عامل زیان در برابر زیان‌دیده، مسئول پرداخت خسارت است و لذا این اصل در کلیه سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده و در مورد چنین بنایی از ناحیه شرع مقدس، ردع و منعی واصل نشده که از این رهگذر، امضای شارع احراز گردد. قائلین به این نظر، بی‌شک می‌بایست به وضع ضمان به‌وسیله قاعده لاضرر اذعان کنند!

در فقه اهل سنت به بعد اثباتی حدیث لاضرر توجه بیشتری شده و فقهای عامه لاضرر را به‌عنوان دلیل عام برای اثبات ضمان مورد استفاده قرار داده‌اند و قاعده «الضرر یزول» را بر آن مترتب نموده‌اند، با این وجود ضمان از طریق ضرر را تنها در مورد مال پذیرفته‌اند و در مورد مال هم گفته‌اند که باید مالیت آن قائم‌به‌ذات باشد و مثلاً منفعت را چون مال بالذات نمی‌دانند، لذا جبران مالی آن را جز در موارد محدود و استثنایی، نپذیرفته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۰: ۵۴). یکی از راه‌هایی که برای اثبات جواز شرعی جبران مادی خسارت معنوی می‌توان پیمود، استناد به قاعده لاضرر است. با توجه به مقتضیات صدوری و فلسفه تأسیس آن و انطباق عنوان ضرر بر ضرر معنوی و معنای ضرر در ضرر معنوی و با استدلال شمول الفاظ و دلالت قاعده بر ضررهای معنوی، می‌توان از این قاعده برای اثبات جواز شرعی جبران (مادی) خسارت معنوی سود برد (صفائی، ۱۴۰۰: ۶۳).

در مجموع می‌توان گفت به‌رغم مخالفت گروهی از فقیهان به جنبه اثباتی قاعده و حدیث لاضرر، از سوی دیگر کم نیستند، فقیهانی که به اثبات ضمان از قاعده و حدیث مذکور اعتقاد دارند (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۲).

۲. ارکان مسئولیت مدنی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس

به طور سنتی تصور شده است که سه عنصر وجود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ورود ضرر برای تحقق مسئولیت مدنی ضرورت دارد به گونه‌ای که در غیاب هر یک از آنان مسئولیت مدنی تحقق نمی‌یابد. در بین عناصر مذکور، رابطه سببیت (یا رابطه علیت) به وجود رابطه بین فعل زیانبار و ورود خسارت متمرکز است و آنچه از این رابطه درک می‌شود این است که رابطه سببیت تنها برای پیوند دادن فعل زیانبار به ورود خسارت مفید است و اینکه چگونه یک شخص را مسئول جبران ضرر دانسته توضیح بیشتری ارائه نمی‌دهد. برخی از حقوق دانان و نظام‌های حقوقی برای درک چگونگی پیوند دادن مسئولیت جبران ضرر به یک شخص، مفهوم انتساب را برگزیده و آزمون و معیارهایی، برای ایجاد رابطه انتساب به کار بسته‌اند (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۹).

۲-۱. ورود ضرر

ورود ضرر یکی از ارکان اساسی مسئولیت مدنی است. علی‌رغم آن که معمولاً ضرر بر اشخاص معین وارد می‌شود، اما گاه خسارات به گونه‌ای است که به دشواری می‌توان زیان‌دیده آن را محدود به اشخاص معین دانست. در واقع در ضررهای جمعی چون انتشار امواج الکترومغناطیس، ضرر بر شخص معینی وارد نمی‌شود، بلکه بر گروهی از اشخاص به طور جمعی وارد می‌شود و هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند خود را زیان‌دیده اصلی بداند. در صورتی که ضرر گروهی، از سنخ خسارات معنوی باشد، به نظر می‌رسد غیرقابل جبران است. زیرا، جمعیت تشکّل نیافته، فاقد شخصیت حقوقی است و داشتن شخصیت، شرط تمتع از حقوق مدنی است. در حقوق فرانسه بعضی از حقوق دانان، ضررهای زیست‌محیطی را به دو دسته تقسیم کرده‌اند. «ضرر زیست‌محیطی» که قسیم ضررهای شخصی قلمداد می‌شود و به تمامیت جسمانی و روانی اشخاص یا اموال آنان لطمه وارد می‌کند.

در حال حاضر جبران این گونه از ضررها مشمول قواعد عام مسئولیت مدنی است. با این حال در طرح اصلاح قانون مدنی فرانسه و در بخش حقوق تعهدات، پیشنهادهایی برای کیفیت جبران این گونه ضررهای دیده می‌شود. گفته شده است، لازم است در کنار انواع مسئولیت‌های سنتی که شامل مسئولیت مدنی ناشی

از فعل شخصی، مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشیاء و مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص ثالث است، قسم دیگری از مسئولیت تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از اعمال خطرناک» افزوده گردد. در تعهدات موجود در حقوق بین الملل، یکی از مبانی منطبق با حقوق بین الملل عمومی و کنوانسیون‌های مربوطه این است دولی که مجوز انجام فعالیت‌های خطرناکی چون امواج الکترومغناطیس را در قلمرو خود صادر می‌کنند، باید تضمین کنند که از این فعالیت‌ها خسارات معنوی و خطرهای چشمگیر بر دیگران وارد نمی‌سازد (یزدانیان و حبیبیان، ۱۳۹۳: ۱۴).

۲-۲. ارتکاب فعل زیانبار

از آنجا که مسئولیت مدنی ممکن است به دنبال قرارداد محقق شود و یا در پی یک واقعه حقوقی به وجود آید، قابل پیش‌بینی بودن ضرر در بحث مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود (صفایی، ۱۳۹۹: ۷۸)، قابل ذکر است که مسئولیت مدنی به معنی اعم هم شامل مسئولیت قراردادی است و هم شامل مسئولیت غیر قراردادی است که برخی از حقوق‌دانان نیز منکر اجرای آن حتی در مسئولیت قراردادی هستند (توبا ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۶). در بحث انتشار امواج الکترومغناطیس که عمده تخریب‌ها به صورت غیر قراردادی صورت می‌گیرد، قابل پیش‌بینی بودن ضرر چندان کاربردی ندارد و ادعای این که قابل پیش‌بینی بودن ضرر در مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی به طور یکسان اجرا می‌شود، به سادگی قابل اثبات نیست. در حقوق ایران این شرط را می‌توان از ماده ۵۲۱ (ق. م. ا) مصوب ۱۳۹۲ استنباط نمود.

این شرط را از سخن برخی از فقها نیز می‌توان استفاده کرد. مرحوم محقق کرکی در بحث تلف می‌گوید: «اذا كان العامل مما كان يتوقع معه علة التلف بان يكون جودها معه كثيراً» (محقق داماد، ۱۴۰۰: ۱۳۴). اما در رابطه با انتشار امواج الکترومغناطیس و تعدد عواملان خسارت ناشی از امواج مسئولیت مدنی تضامنی بیشتر در حقوق فرانسه قابلیت اجرایی دارد و هنوز بسترهای مناسبی برای اجرای این گونه مسئولیت در نظام حقوقی کشور ایران ایجاد نشده است با تبیین مسئولیت‌های تقسیم‌ناپذیر و تفکیک آن از انواع مسئولیت‌ها و ایجاد راهکار در زمان تعدد فاعلان فعل زیانبار، به وسیله قانون‌گذار و دکترین حقوقی و با استفاده از انعطاف نظام

حقوقی ایران در برابر مسئولیت‌های مدنی و جبران خسارت، برای ایجاد یک دیدگاه جدید در مسئولیت‌های تقسیم‌ناپذیر، می‌توان چنین سیستم مسئولیتی را در نظام حقوقی ایران تضمین کرد. در رابطه ارتکاب فعل زیانبار می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. اختلال در مسیر کشتی‌ها توسط امواج الکترومغناطیسی: ضروری بودن اصل اطلاع‌رسانی ارسال امواج الکترومغناطیس در مواضع ضرورت از نقش و درجه اعتبار اصل همکاری کمتر نیست. در پدیده ارسال امواج الکترومغناطیس، دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌دارد وجود یک منطقه در آب‌های ساحلی در موقع انتشار امواج، کشور ساحلی می‌بایست به دیگران اطلاع داده و آن را از ورود بدون مجوز انتشار این امواج در آب‌های ساحلی بر حذر بدارد.

۲. خطر ارسال امواج توسط سیستم ردياب کشتی‌ها و تصادم ناشی از آن و آسیب‌های زیست‌محیطی دریایی انتشار امواج الکترومغناطیس در دریاها یا ناشی از شرایط خاص باشد و یا غرامت و زیان‌های منشأ شده از فعل یا ترک فعل شخص ثالث است. این ترک فعل در راستای ضرر و صدمه‌های ناشی از سهل‌انگاری مسبب یا مقام مسئول نگه‌داری چراغ‌ها و علائم هشدار دهنده و اطلاع از موقعیت خطر و انتشار امواج الکترومغناطیس در دریانوردی تشریح می‌گردد (شید، ۱۳۹۱: ۱۲۲). گسترش و ارسال امواج الکترومغناطیس در پهنه آبی، اعم از آب‌های سرزمینی و بین‌المللی که منجر به برخورد کشتی‌ها و آلودگی‌های دریایی به شکل ذاتی خطر بزرگی تلقی می‌شود و در بلندمدت می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای انسان و محیط‌زیست به وجود آورد. از اصول بنیادین این آلودگی، آلودگی ناشی از کشتی‌هاست که در پی خروج نفت، هنگام تخلیه و خروج آب تعادل یا در پی برخورد آن‌ها با تپه‌های دریایی، تصادف کشتی‌ها با یکدیگر یا حریق و انفجار بار حمل شده آن‌ها را به دنبال داشته باشد (یدایی امناب، ۱۳۸۹: ۳۹).

۳-۲. رابطه سببیت

قانون مسئولیت مدنی ایران الزاماً تقصیر خوانده را شرط تحقق مسئولیت ندانسته است. برای تحقق مسئولیت مدنی علاوه بر لزوم ورود ضرر و ارتکاب فعل یا ترک فعل زیانبار، رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل زیانبار و ضرر وارده نیز باید احراز شود. نظام داخلی به جهت تأثیر از منابع فقهی به قابلیت انتساب متکی است و

این امر با توجه به مقررات و قانون مجازات اسلامی اخیر به وضوح قابل استنباط است. زیرا در این قانون در مصادیق مختلفی از سببیت یعنی اجتماع سبب و مباشر تعدد عرضی اسباب و نیز برخی موارد دیگر قابلیت انتساب معیار مسئولیت قرار گرفته است (گرشاسبی، ۱۳۸۹: ۹۱).

اگرچه ممکن است با وجود حکم قانون‌گذار در مورد تعدد طولی اسباب که سبب مقدم در تأثیر را ضامن دانسته است، بر این نتیجه‌گیری ایراد شود، اما باید اذعان داشت که برخی از مواد قانونی مبتنی بر حساسیت قانون‌گذار به پیروی از مشهور فقها است، والا در دو مصداق از یک مفهوم سبب و مباشر و اجتماع طولی اسباب به کارگیری دو روش مجزا، بالأخص با توجه به مقررات پیشین در خصوص سبب و مباشر قابل توجیه نخواهد بود. یکی دیگر از نظریاتی که در آرای اندیشمندان حقوقی غربی و متأثر از نظریات جدید مسئولیت در قرن بیستم مطرح شده، تئوری «رابطه سببیت نسبی» است. با استفاده از سببیت نسبی، می‌توانیم مفاهیم مسئولیت بدون تقصیر مثل مسئولیت ناشی از تولید و فعالیت‌های خطرناک الکترومغناطیس را برای پوشش دادن حوزه‌های وسیعتری توسعه دهیم. با استفاده از قسمت اخیر ماده ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، می‌توان گفت نظریه سببیت نسبی در حقوق کشور ما نیز مورد پذیرش قرار گرفته و قانون‌گذار به تأثیر نسبی پرداخته است نه تقصیر نسبی.

۳. تقویم خسارت آسیب حاصل شده از اعمال زیانبار

ضمانت اجرای جبران غرامت سریع و متناسب، تعهد دولت‌ها پس از رخداد سانحه حوادث نامبرده و نیز اینکه دولت‌های مذکور از این رو می‌بایست اوضاع رسیدن به این منظور را از رهگذر تصویب مسئولیت مدنی بر کارگزار یا اشخاص حقیقی و حقوقی مربوطه و پدید آمدن بیمه یا سایر ضمانت‌های اقتصادی و نیز صندوق‌های بیمه دولتی (ملی یا بین‌المللی) محقق می‌شوند. از طرح مارالذکر، اصول و مؤلفه‌های زیر را می‌توان در رابطه با آلودگی نفتی کشتی برشمرد.

۳-۱. امکان مطالبه ضرر فوری، متناسب و تأثیر گذار

اصل جبران ضرر و غرامت بر مبنای یک قاعده کلی، از دو مشخصه مهم برخوردار است. اول اینکه ضرر جبران شده نباید از جنبه کیفی برخوردار باشد؛ دوم اینکه کشتی و یا شخص زیان دیده می‌تواند توسط آسیب و زیان وارد شده به خود، غرامت دریافت کند.

به هر روی، تعهدی که اشخاص در این زمینه دارند بر این اساس است که موارد جبران غرامت را به گونه‌ای آماده سازند که اهداف زیر را تحت الشعاع قرار دهد: الف. ایجاد انگیزه لازم برای سایر اشخاص حقیقی به منظور اجتناب از غرامت حاصل شده از آلودگی نفتی و غیرنفتی (امواج الکترومغناطیسی)؛ ب. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دولت‌ها؛ ج. حفظ و ارتقای فعالیت‌های اقتصادی (د) جبران غرامت به گونه‌ای که قابل تصور و سریع باشند (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۶: ۵۱).

رسیدن به اغراض نامبرده مستلزم این است که اشخاص حقیقی در سطح ملی به تشریح و گسترش حقوق حاکی از مسئولیت حاصل شده از زیان آلودگی نفتی ناشی از برخورد کشتی‌ها بر اثر اختلال در سیستم موقعیت‌یاب، نمایند. این مهم از رهگذر تصویب قوانین مناسب و الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی به جهت جبران غرامت امکان‌پذیر است. نیاز به قوانین کارآمد داخلی و بین‌المللی صرفاً در ارتباط با انتساب مسئولیت به‌ویژه در مقررات شکلی از جمله آیین رسیدگی ویژه و اقامه دادرسی نیز در پرداخت و امکان غرامت فوری و متناسب است.

۳-۲. اقدامات جبرانی

بعد از ایجاد آلودگی دریایی از طریق امواج الکترومغناطیس، اشخاص مسبب حادثه متعهد می‌باشند که ضامن کشتی مشخصات لازم را در زمینه چگونگی به وجود آمدن سانحه داشته باشند. لذا باید فعالیت‌ها مقتضی را از نظر تقلیل غرامت به محیط‌زیست یا منافع دولت‌ها و اشخاص حقیقی به انجام دهند. این اقدامات نه تنها در بردارنده اقداماتی چون پاک‌سازی و اعاده و برگشت به حالت گذشته در منطقه مورد سانحه است، بلکه اقدامات بازدارنده بعد از سانحه را نیز شامل می‌شود (نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

در حقوق داخلی دادگاه با عنایت به موقعیت طرفین و نوع خسارت معنوی وارده، میزان زیان وارد شده، نقش زیان کار و وضعیت و شرایط اجتماعی و اقتصادی با رعایت عدالت و انصاف، خسارت وارده را تقویم و عامل زیان را به دادن معادل از طرق مختلف از جمله پرداخت معادل آن نقداً یا به صورت اقساط محکوم می‌کند. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریق و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. . . .» دیوان کشور فرانسه نیز آزادی عمل دادرسان را در گزینش بین شیوه جبران عینی و پرداخت خسارت تأیید کرده است، ولی این آزادی را صرفاً این آزادی را صرفاً به دادرسانی که رسیدگی ماهوی می‌کنند، متعلق دانسته است. البته بین رویه دیوان کشور فرانسه و شورای دولتی آنجا تفاوت وجود دارد (Estephan & Milde, 2019: 322). در زمینه پیگرد و مجازات مجرمان رفتار سازمان‌های قضایی هر دولتی مطابق با استانداردهای شناخته شده بین‌المللی باشد، وجود نقص و نابسامانی عظیم در نظام دادگستری مانند تحقیقات طولانی در شرایط نامطلوب و غیرعادی از انجام دادرسی، تعیین مهلت‌های طولانی غیر معمول یا تحولات غیر ضروری در تشکیل دادگاه‌ها یا دادرسی اجتناب بدون دلیل غیر عادلانه و آرای قضایی به شکل بارز مغایر با حق و عدالت کمک به فرار مجرمین زیست محیطی و عدم تناسب با جرم و گونه‌های آن‌ها ممکن است باعث انتساب مسئولیت بین‌المللی اشخاص حقوقی در قبال آلودگی‌های جوی ناشی از ارسال امواج ردیابی کشتی‌ها دریایی یاد شده دولت گردند (یدایی امناب، ۱۳۸۹: ۳۹).

۳-۳. امکان طرح مسئولیت ناشی از اعمال منع شده

سیستم مسئولیت بین‌المللی برای اعمال و افعال منع نشده در نظام حقوق بین‌الملل، جنگی غیر عرفی و در حال توسعه به شمار می‌آید. این سیستم در بردارنده سیستم‌های قراردادی خاص و گوناگونی است که در حوزه‌های رایج در نظام حقوقی بین‌المللی، مانند آلودگی‌های نفتی، اتمی، ارگانسیم‌های نوترکیب ژنتیکی و... گسترش یافته‌اند.

حقوق بین‌الملل در زمینه جبران غرامت ناشی از اعمال منع نشده چون اخلال پارازیتی در دریاها، در حال تجربه رویکردهای نو و گوناگونی است. تبیین این رویکردها و مطالعه اسباب فلسفی پیدایی آن‌ها به

درک قواعد در حال پیدایش سیستم مسئولیت در این سیستم کمک قابل تقدیری انجام می‌دهد (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی جبران کامل خسارت زیان‌دیده است و تا حد امکان باید تلاش کرد تا قربانی را به وضعیت قبل از ضرر بازگرداند. به عبارت دیگر، هدف این است که قربانی را در شرایطی قرار دهیم که گویی عمل مضر صورت نگرفته است. اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری با تصویب ماده ۱۴ این هدف را دنبال کرده و توجه کامل خود را نسبت به جبران خسارات نشان داده است، اما متأسفانه با مقدمه تبصره ۲ ماده مذکور این اقدام ستودنی زیر سؤال رفته و استثنائات غیرموجه از اصل جبران خسارت کامل ایجاد کرده است. ماده ۱۴ قانون فوق‌الذکر به زیان‌دیده حق مطالبه کلیه خسارات مادی و معنوی و منافع احتمالی ناشی از جرم ناشی از ضرر را می‌دهد. با توجه به تبصره ۱ و ابتدای تبصره ۲ این ماده می‌توان نتیجه گرفت که جبران خسارت معنوی و اتلاف منفعت در مواردی که ضرر واقعی وجود داشته باشد، به‌عنوان یک قاعده کلی در نظام حقوقی ما پذیرفته شده و مختص خسارات ناشی از جرم نیز وجود ندارد. اما قسمت اخیر تبصره ۲ ماده مذکور با در نظر گرفتن استثنائاتی در خصوص مجازات‌های مقرر در شرع و دیات از دایره اصل جبران کامل خسارت کاسته است.

می‌توان ادعا کرد که با توجه به استثنائات مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، وصف کیفری فعل زیان‌آور ارسال امواج الکترومغناطیس در دریاها موجب کاهش دامنه مسئولیت مدنی ناشی از آن می‌شود. در واقع دامنه جبران خسارات معنوی و اتلاف منفعت در اعمال زیانباری که جرم محسوب می‌شود محدودتر از دامنه خسارت معنوی و اتلاف منفعت در اعمال زیانباری است که جرم محسوب نمی‌شود. در واقع برای اینکه برای این‌که بتوان در اعمال زیانباری که جرم نیست مطالبه خسارت اتلاف منفعت کرد کافی است که ضرر مذکور ضرر واقعی ارسال امواج الکترومغناطیس (ضرر به معنای عام) باشد، ولی در اعمال زیانباری که مانند دست‌کاری و اختلال عمدی سیستم ردیاب کشتی‌ها از طریق ارسال امواج الکترومغناطیس جرم محسوب می‌شود. از دست دادن منفعت در صورتی قابل جبران است که اولاً این خسارات باید به اتلاف صدق کند؛ ثانیاً جزو مواردی نباشند که تعزیر منصوص شرعی اجرا می‌شود؛ ثالثاً از

جرائمی که دیه برای آن‌ها تعیین شده است نباشند. نتیجه‌ای که با هیچ‌یک از موازین حقوقی سازگاری ندارد، حتی در نظام‌های حقوقی که جبران خسارت معنوی را به‌عنوان قاعده پذیرفته‌اند، از جبران خسارت معنوی ناشی از جرم ابایی ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علی‌رغم ظاهر تأثیرگذار خود به‌نوعی از دامنه مطالبه خسارت معنوی در جرائم کاسته است.

۴. امکان و شیوه‌های مطالبه خسارت معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در حقوق ایران و فقه

برخی از فقها در مورد غیرقابل جبران بودن تلف منفعت بیان کرده‌اند؛ عدم‌النفع مانع ایجاد منفعت است نه موجب ضرر و چنین چیزی ضرر محسوب نمی‌شود؛ بنابراین ضرر مقرر در قاعده لاضرر که مستلزم جبران باشد، رخ نداده است. به عبارت دیگر فقهایی که قائل به جبران عدم منفعت نیستند، اظهار نمی‌کنند که عدم منفعت نباید جبران شود، بلکه معتقدند عدم منفعت ضرر محسوب نمی‌شود. اگر معلوم شود که عدم منفعت ضرر است، هیچ‌کس در جبران آن (با وجود شرایط دیگر) تردید نخواهد کرد. در واقع به نظر مشهور فقها، ضمان به ضرر (اعم از اتلاف مباشرت و اتلاف) مصداق آن است که مورد تلف مال (اعم از غرض یا منفعت) باشد و منافع احتمالی حاصل از آن هنوز وجود ندارد، بنابراین ضرر ناشی از آن است. اعمال نمی‌شود؛ در نتیجه هیچ تضمینی وجود ندارد. زیرا هیچ‌یک از ماده ۲۶۷ و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تفاوتی بین عدم منفعت قطعی و احتمالی قائل نشده و مطلقاً به غیرقابل جبران بودن عدم منفعت اشاره کرده است. ثانیاً بدیهی به نظر می‌رسد که نمی‌توان خسارت احتمالی را مطالبه کرد، به‌طوری که همه فقها یکی از شرایط ضرر قابل جبران را مسلم بودن ضرر دانسته‌اند؛ بنابراین دلیلی وجود ندارد که ماده مذکور را مختص عدم منفعت احتمالی بدانیم.

تأمل در موازین فقهی بیانگر آن است که از نظر شرعی مانعی برای مطالبه خسارت معنوی وجود ندارد. آیات و روایات فراوانی بر حرمت تضييع حقوق فردی و لطمه زدن به آبرو و حقوق معنوی افراد تأکید دارند و بر این اساس می‌توان این‌گونه آسیب‌های معنوی را از مصادیق ضرر و مشمول قاعده لاضرر دانست. پیامبر(ص) در داستان معروف سمره بن جندب که سند اصلی قاعده «بی‌ضرر و زیان» است، دستور به

جبران خسارت معنوی داده است، پس در شمول این قاعده در مورد خسران معنوی نباید تردید کرد. بسیاری از فقها این خسارت را قابل جبران دانسته‌اند؛ مثلاً به عقیده برخی از فقها «حیثیت و آبروی انسان چیزی است که در احترام انسان مؤثر است و تخلف از آن باعث تحقیر و شکسته شدن او در نزد مردم می‌شود. پس اگر کسی به همسرش تجاوز کند یا از زنا با محارم او باخبر شود، یا با همسر و بستگانش مداخله کند یا درباره او غیبت کند یا به او تهمت بزند یا با او توهین‌آمیز و ناشایست صحبت کند یا چیزی از اسرار او را فاش می‌کند که در این مورد، آبروی خود را بدنام کرده است که در واقع زیان‌آور است و حتی بسیاری معتقدند که جبران خسارت اخلاقی با موازین شرعی در تضاد نیست.» برخی از حقوق‌دانان برخلاف تصور رایج، پیوند عدم امکان جبران ضرر به احتمال این نوع خسارت را نوعی محو موضوع می‌دانند؛ زیرا همان‌طور که بیان شد در صورت عدم منفعت احتمالی یکی از شروط قابل جبران ضرر که حتمی بودن آن است محقق نمی‌شود و این حکم مخصوص عدم منفعت نیست. آنان بر این عقیده‌اند که غیرقابل جبران نبودن منفعت قطعی دلیل مصلحتی دارد و آن ملاحظات اقتصادی و عملی و جلوگیری از باز شدن نامحدود باب مسئولیت مدنی است. بنابراین، جبران عدم سود باید به موارد خاصی محدود شود (توپا ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۴۳).

گسترش و ارسال امواج الکترومغناطیس در پهنه آبی، اعم از آب‌های سرزمینی و بین‌المللی که منجر به برخورد کشتی‌ها و آلودگی‌های دریایی به شکل ذاتی خطر بزرگی تلقی می‌شود و در بلندمدت می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای انسان و محیط‌زیست به وجود آورد. از اصول بنیادین این آلودگی، آلودگی ناشی از کشتی‌هاست که در پی خروج نفت، هنگام تخلیه و خروج آب تعادل یا در پی برخورد آنها با تپه‌های دریایی، تصادف کشتی‌ها با یکدیگر یا حریق و انفجار بار حمل شده آنها را به دنبال داشته باشد (گرشاسبی، ۱۳۸۹: ۴۵).

کلیه کنوانسیون‌ها مذکور صرفاً ناظر به سوانح کشتی‌ها و آلودگی نفتی سخت و پایدار مانند نفت خام، نفت کوره، نفت دیزل و نفت سوخت کشتی‌ها می‌باشند. در این اسناد، حقوق بین‌الملل دو غرض مهم را دنبال می‌کند: ابتدا ممانعت از آلودگی؛ دوم تسهیل رسیدگی به خواسته برآورد و جبران خسارات زیان‌دیده. در رسیدن به هدف بعدی، کنوانسیون مسئولیت مدنی و کنوانسیون بانکر، مکانیسم بیمه اجباری مسئولیت

مدنی را پیش‌بینی کرده است که قسمت مهمی از زیان‌های آلودگی نفتی به وجود آمده در گستره دریایی سرزمینی و حوزه ویژه اقتصادی دولت‌های عضو را قابل جبران می‌سازد و بخشی نیز غیرقابل جبران باقی می‌ماند (haze, A. 2018: 145).

شورای نگهبان در زمان تصویب ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ جبران خسارات معنوی ناشی از جرم را خلاف شرع تشخیص داد و در نتیجه برخلاف مفاد قانون آیین دادرسی کیفری قبلی مصوب ۱۳۷۸ فقط به خسارات مادی اشاره دارد. بسیاری از حقوق‌دانان معتقد بودند که با سکوت قانون رسمی آیین دادرسی کیفری و از آنجایی که در این قانون خسارات معنوی نفی نمی‌شود و با استناد به سایر قوانین از جمله ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی می‌توان خسارت معنوی را در نظام حقوقی ایران مطالبه کرد. با وجود این دیدگاه‌ها، رویه قضایی در صدور احکام جبران خسارات معنوی با تردیدهای جدی مواجه بوده است. البته در سال‌های اخیر انعطاف در رویه قضایی رعایت شده است؛ همان‌طور که در پرونده موسوم به هموفیلی، دادگاه حکم به جبران خسارات معنوی افرادی که به دلیل انتقال خون آلوده به هیپاتیت یا ایدز مبتلا شده بودند را صادر کرد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً ضرر معنوی را با محدودیت قابل جبران دانسته است. طبق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «شاک می‌تواند جبران کلیه خسارات مادی و معنوی و منافع احتمالی ناشی از جرم را مطالبه کند.» گرچه متن ماده مذکور متضمن جبران خسارات معنوی در قالب خسارات ناشی از جرم است، اما تبصره ۱ همین ماده به گونه‌ای تنظیم شده است که قاعده‌ای کلی را در خصوص جبران خسارت معنوی بیان می‌کند. بر اساس این تبصره «خسارت معنوی عبارت است از صدمه روحی یا لطمه به حیثیت و حیثیت فردی، خانوادگی یا اجتماعی و دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور قرار جبران خسارت مالی، از طرق دیگری نیز حکم به رفع ضرر کند؛ از جمله مستلزم عذرخواهی و درج دستور در روزنامه‌ها و امثال آن، اگرچه منطبق قانون‌نویسی ایجاب می‌کند که تبصره مذکور را صرفاً ناظر به جمله مندرج در متن ماده بدانیم. یعنی ضرر و زیان ناشی از جرم، اما منطبق حقوقی ما را راهنمایی می‌کند که تبصره مذکور را به‌عنوان یک قاعده کلی تفسیر کنیم، زیرا تعریفی که قانون‌گذار از ضرر معنوی و لزوم جبران آن

ارائه کرده است، موضوع خاصی به ارتکاب جرم ندارد. جرم و محدود کردن آن به جبران خسارات ناشی از جرم فاقد دلیل و مغایر با اعمال این تبصره است در نظام حقوقی ایران بیشتر پذیرفته شده است. به خصوص اینکه به نظر می‌رسد شورای نگهبان از نظر قبلی خود مبنی بر خلاف شرع مطلقاً ضرر معنوی عدول کرده است. در بند (۶) نظریه شورای نگهبان در مورد قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «... با پذیرش اصل جبران خسارت معنوی، حکم ضرر مالی در مواردی که شرعاً یا قانون، تعزیر و دویه در دادگاه در مورد آن حکم تعیین و صادر شده است، خلاف موازین شرع است.» و در بند (۷) همین نظریه فقط خسارت مازاد بر مهریه خلاف موازین شرعی شناخته شده است.

در ارتباط با اساس مسئولیت مدنی آلودگی محیط‌زیستی به وجود آمده امواج الکترومغناطیس تحقیقات بسیاری انجام گرفته است، یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که نظریه جهان‌شمول تقصیر در پاسخ‌گویی به زیان‌های محیط‌زیست کارآمد نبوده و در این رهگذر استفاده از نظریه مسئولیت محض مناسب‌تر به نظر می‌رسد. غرامت و آسیب‌های زیست‌محیطی را غرامت و آسیب‌های به اشخاص حقیقی ندانسته است (عسگری و حسینی، ۱۳۹۳: ۵۰).

بیمه مسئولیت مدنی از نظر تراضی طرفین، اصل قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر در برابر حق بیمه، تعهد می‌کند در صورت بروز مسئولیت بیمه‌گذار، زیان وارده از سوی او یا صدمات وارده بر او را تلافی سازد. با وجود این نباید آن را غیر کامل حساب کرد؛ زیرا بیمه‌گر قصد ندارد در ازای پرداخت حق بیمه در برابر شخص ثالث متعهد شود. به عبارت دیگر دو طرف انگیزه متعهد کردن بیمه‌گر در برابر شخص ثالث را جز در موارد استثنایی ندارند و بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار متعهد به جبران غرامت و آسیب‌ها وارده از ناحیه مقصر است. از طرف دیگر به محض احقاق مسئولیت، غرامت و آسیب‌ها به بیمه‌شده وارده می‌شود، زیرا دیون منفی او بسیار می‌شود؛ اما جبران این خسارات بر اصل قرارداد بیمه از شیوه حذف دین مسئولیت و التزام بیمه‌گر به جبران غرامت و آسیب‌های زیان‌دیده است. خطر موضوع بیمه مسئولیت، بدهی ناشی از مسئولیت مدنی است با این همه ممکن است در قرارداد بیمه شرط شود که بیمه‌گر افزون بر آن مکلف است هزینه‌های حقوقی آن را از طرح دعوای مسئولیت تأمین کند. به علاوه در صورتی که بیمه‌گر از روی سوءنیت

یا مقاومت به شکل غیرقانونی یا تأخیر غیرموجه موجب صدمه بیمه گذار خود شود علاوه بر پرداخت غرامت و آسیب‌های زیان‌دیدگان و تحمل هزینه‌های دادرسی و وکیل مدافع، متعهد است که زیان تأخیر یا سود از دست رفته به علت تأخیر در خسارت خویش را نیز پرداخت نماید (دانشنامه بیمه، ۱۳۹۳، مدخل بیمه مسئولیت مدنی).

بر اساس اصل جبران خسارت و آسیب‌ها، هدف این بیمه حفظ سطح دارایی صدمه دیده و پرداخت غرامت و آسیب‌های وارده است و موجب افزون شدن دارایی بیمه‌گذار نخواهد شد. این اصل از طرفی موجب محدودیت تعهدات بیمه‌گر تا سقف میزان غرامت می‌شود. توافقات طرفین نیز می‌تواند تعهدات بیمه‌گر را محدود کند.

در متون حقوق فرانسه، این کشور تعریف مشخصی از این نوع بیمه ارائه نداده است. نگارندگان به تبعیت از گذشتگان خویش به‌ویژه حقوقدان مشهور در حوزه بیمه، از بیمه مسئولیت مدنی تبیینی ارائه می‌دهند. به این مفهوم که: «بیمه مسئولیت مدنی، قراردادی است که به سبب آن بیمه‌گر تعهد می‌نماید در صورت رجوع اشخاص ثالث از باب مسئولیت، خسارات بیمه‌گذار را جبران نماید» (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۴).

در حقوق ایران روش جبران خسارت‌های جسمانی کامل نیست. جبران مالی ضررهای معنوی نه در قوانین و نه در رویه قضایی جایگاه شفافی ندارد. یکی از کشورهایی که در زمینه جبران خسارت بزه‌دیدگان گام‌های مؤثری برداشته و به پیشرفت‌های قابل توجهی نائل شده، کشور فرانسه است که با به‌کارگیری الگوهای عدالت ترمیمی مربوط به جبران خسارت بزه‌دیدگان و تدوین قوانین خاص در این زمینه مکانیسم مزبور را به‌صورت یک اصل در نظام عدالت کیفری خود درآورده است. قابلیت جبران خسارت معنوی و نحوه‌ی جبران آن را این‌گونه می‌توان توجیه و استنباط کرد و قاعدلاً ضرر که از مسلمات فقهی است، برای اثبات مسئولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی و روش‌های جبران آن مورد استناد واقع شده است و علاوه بر قاعده لاضرر دلایل دیگری نیز پیش‌بینی دیه در مورد صدمات جسمانی منجر به خسارت معنوی است، عقلاً نیز به جبران خسارت معنوی وارد شده و بر اشخاص اذعان دارند که در نظام حقوقی ایران نیز خسارت معنوی قابل جبران است. در فقه اسلامی برای جبران ضررهای معنوی امواج الکترومغناطیس روش شناخته‌شده‌ای

وجود ندارد؛ اما به کارگیری شیوه‌ای متداول در حقوق عرفی و موضوعه در فقه نیز قابل پذیرش به نظر می‌رسد، زیرا روش‌های جبران خسارت معنوی، امور نسبی و برآیندی از اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصر می‌باشند و از سکوت و عدم ردع شارع می‌توان رضایت و حکم شرعی را دریافت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش جبران مالی و انواع جبران‌های غیرمالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع است.

این سیر قانون‌گذاری و پذیرش دعوای خسارت معنوی زیست‌محیطی دریایی، بیانگر اهمیت موضوع خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در این نظام حقوقی است. با وجود این در خصوص گروه‌هایی که قانون‌گذار چنین حقی را برای آن‌ها نشناخته است، این نوع خسارات قابل طرح نیست. ضمن اینکه امکان اقامه دعوا خسارت معنوی زیست‌محیطی از طرف یک فرد به نمایندگی از سایر اعضاء نیز در این نظام حقوقی امکان‌پذیر نیست و چنین دعاوی به علت فقدان سمت و عدم شناسایی نمایندگی افراد موردپذیرش واقع نشده است (نیک‌نام، ۱۳۹۲: ۲۸).

بر پایه کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی ۱۹۶۹ نامبرده جبران ضرر و تلافی زیان و آسیب‌های ناشی از آلودگی امواج الکترومغناطیس، مالکان کشتی ضامن، جبران ضرر و آسیب‌های آلودگی مذکور به وجود آمده از کشتی خود هستند. بر پایه این ساختار حقوقی همگی مالکان کشتی‌ها که نفتکش‌های آن‌ها بیشتر از دو هزار تن محموله نفتی را به شکل کلی حمل می‌کنند بایستی از بیمه بهره‌مند باشند. بیمه‌گرها معمولاً یکی از نمایندگی انجمن‌های ایمنی و صیانت می‌باشند و در واقع هر نوع جبران ضرر و تلافی زیانی که مالک کشتی ضامن پرداخت آن است را بر وی تحمیل نماید. «مسئولیت‌های مختلف اشخاص، اختلاف بنیادین با یکدیگر ندارند و معمولاً همگی آن‌ها، با پرداخت مبلغی پول جبران و یا امکان دارند که جبران شوند» (دبیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

خسارت باید به شکل دقیق، صحیح و تا حد بسیاری مطابق با خسارت وارد شده باشد. لذا اگر غرامت و آسیب‌های اقتصادی (به‌عنوان مثال برخورد کشتی‌ها در شرایط تأثیر امواج بر سیستم مکان‌یاب کشتی‌ها و اختلال در مسیر آن‌ها) داشته باشد، باید در تعیین میزان خسارت نیز آسیب‌های محتمل را نیز در نظر گرفت؛

بنابراین، غرامت دربردارنده هرگونه زیان و آسیب‌هایی است که از نظر اقتصادی قابل ارزیابی است (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۲).

در صورتی که زیان‌دیده ثابت کند که غیر از این مبلغ معین، متحمل خسارات دیگری از جمله خسارات معنوی شده است و اگر هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت بوده است، دلیلی ندارد به بهانه اینکه غرامت وارد شده است کلیه خسارات مادی و معنوی شخص را از محل جبران خسارت به حساب آورد. از سوی دیگر دیوان عالی کشور در آراء متعددی اعلام کرده است که دیه تمام خسارات وارده به شخص را در نظر می‌گیرد و با پرداخت دیه دیگر خسارتی برای فرد باقی نمی‌ماند که درخواست جبران آن را داشته باشد (به‌عنوان نمونه رأی اصراری شماره ۱۰۴ مورخ ۱۴/۰۹/۱۳۶۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور) شورای نگهبان نیز در زمان تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در بند ۷ نظریه خود، صراحتاً خسارت مازاد بر دیه را خلاف شرع دانسته است. البته در مقابل این دیدگاه، برخی از فقها و حقوق‌دانان اصرار بر ادله‌ای مانند بنا عقلا، لاضرر، لاجرح و تسبیب معتقدند که اگر پرداخت دیه تمام خسارات وارده به متضرر را جبران نکند، زیان وارده زائد بر آن است. دیه نیز باید پرداخت شود. به اعتقاد وی ماهیت دیه جبران خسارت است و چگونه ممکن است شارع چیزی را که برای جبران خسارت وارده به زیان‌دیده کافی نیست کافی بداند.

۵. شیوه‌های جبران خسارات معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس در دریاها در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه اصولاً تشکلهای و انجمن‌هایی که از شخصیت حقوقی برخوردارند، می‌توانند همانند اشخاص حقیقی ادعای زیان شخصی و فردی را مطرح کنند؛ اما به لحاظ اینکه خسارت معنوی زیست‌محیطی شخص حقوقی با منافع فردی اعضای آن‌ها متفاوت است، در خصوص حق اقامه دعوی انجمن‌ها و مؤسسه‌ها به‌ویژه گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی اختلاف‌نظرهای جدی وجود داشت. برخی نویسندگان حقوق فرانسه معتقدند پذیرفتن این خسارات پیچیده است. این پیچیدگی از آن جهت است که این دعوی در شرایط خاصی مطرح می‌شوند. غالباً مستند شکایت، خسارت معنوی است و اغلب گروه‌هایی که اقامه دعوا می‌کنند می‌خواهند فاعل زیان به تأدیه خسارتی ناچیز محکوم شود. مثلاً یک فرانک غرامت نمادین می‌خواهند و معمولاً به‌جای دادگاه مدنی به دادگاه‌های کیفری مراجعه می‌کنند؛ بنابراین هدف آن‌ها

بیشتر مجازات مقصر است تا اخذ غرامت. لذا این دعوا موجب انحراف مسئولیت مدنی از هدف اصلی آن می‌شود. همچنین استدلال شده اتخاذ این روش که به نفع جمعیت‌ها است، در مورد لزوم وجود ضرر کاملاً ناموجه است؛ زیرا هیچ‌یک از اعضای جمعیت‌های مورد بحث نمی‌توانند به یک ضرر کاملاً مشخص استناد کنند؛ بنابراین منطقاً صحیح نیست اجتماع خساراتی که هریک از آن‌ها به‌طور انفرادی قابل مطالبه نیست، آن را به ضرر و زیان جمعی تبدیل کند (لوراسا و میشل، پیشین: ۱۰۹؛ ژوردن و پاتریس، پیشین: ۱۹۵).

به نظر می‌رسد مبنای این اختلاف نظرها عدم پذیرش خسارت معنوی ناشی از ارسال امواج در این نظام‌های حقوقی باشد؛ زیرا با پذیرش چنین حقی، مبنای روشنی برای اقامه دعوا از طرف گروه وجود خواهد داشت و زمانی که خسارت معنوی در این حوزه به رسمیت شناخته شود اقامه دعوی خسارت دیده معنوی نیز توجیه پذیر خواهد بود. تعاریف حق و مقررات مربوط به نفع در این نظام حقوقی این دیدگاه را تأیید می‌کند.^۱ از سال ۱۹۷۳ حق دخالت در دعاوی کیفری نیز به انجمن‌های مصرف‌کننده اعطا شد. البته در این موارد امکان اقامه دعوا در صورتی وجود دارد که جرائم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به خسارت معنوی زیست‌محیطی که سازمان، مطابق اساسنامه خود درصدد دفاع از آن هست، زیان وارد کند. در خصوص برخی از انجمن‌های مجاز، قانون، قلمرو حق اقامه دعوا را متناسب با اهداف انجمن، محدود به جرائم خاصی کرده است (ماده ۲-۱ تا ۲-۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری).

به‌عنوان مثال حق اقامه دعوا در مورد انجمن‌های حمایت از محیط‌زیست محدود به تجاوز کیفری به مقررات زیستی مربوط به حیاط وحش، محیط‌زیست، آب، هوا، خاک‌ها، مناظر طبیعی، آلودگی‌ها و... (ماده ۲-۱۴۲ قانون محیط‌زیست) است. با وجود این در خصوص برخی از سازمان‌ها مانند اتحادیه‌های صنفی، انجمن‌های مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری، محدودیتی وجود ندارد (ماده ۳-۲۱۳۲ قانون کار- ماده ۴۲۲-۳ قانون حمایت از مصرف‌کننده- ماده ۱-۴۲۵ قانون پولی و مالی).

تنها پیش شرط این است که رفتار مجرمانه به خسارت معنوی زیست‌محیطی حمایت شده توسط آن انجمن آسیب بزند. از سال ۱۹۸۸ انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده اختیارات بیشتری یافتند. مطابق ماده

۱. برای مطالعه در خصوص مفهوم نفع شخصی و مستقیم رجوع کنید به کوشه، ژرالد، لانگلدن، جان، لبو، دانیل. آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه احمدعلی هاشمی، تهران: دادگستر، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۵۰.

۷-۴۲۱ قانون مصرف‌کننده، زمانی که هیچ جرمی ارتکاب نیافته، سازمان‌های مصرف‌کننده، می‌توانند به دعاوی مطروحه در دادگاه‌های حقوقی وارد شده و درخواست قرار منع به‌منظور متوقف کردن تخلف ادعایی و خنثی کردن شروط ناعادلانه نمایند. آن‌ها هم‌چنین می‌توانند این جبران‌ها را از طریق طرح مستقیم دعوا در دادگاه‌های مدنی مطالبه کنند. به همین ترتیب به انجمن‌های سرمایه‌گذار نیز حق اقدام مستقیم در دادگاه مدنی به‌منظور متوقف کردن رفتار غیرقانونی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به خسارت معنوی سرمایه‌گذاران حمل‌ونقل دریایی آسیب‌زده، اعطاشده است (Sivignon, Jacques & Xavier. Nyssen, 2018: 89)

در حال حاضر دعاوی خسارت معنوی که در ماده ۴۲۱ قانون مصرف‌کننده پیش‌بینی شده، اجازه اقامه دعوا به سازمان‌های متولی محیط‌زیست دریایی را برای مطالبه خسارات متحمل شده توسط گروهی از اشخاصی را داده است. ویژگی منحصربه‌فرد این دعوا که آن را متفاوت از سایر دعاوی می‌سازد، این است که در این دعوا صرفاً خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس (نه ضررهای فردی) اشخاصی جبران می‌شود (Magnier, Véronique. Class Actions, 2016: 22).

در حقوق فرانسه تحت تأثیر تغییرات جهانی در سطح اتحادیه اروپا برای پذیرش دعاوی گروهی خسارت دیده معنوی تلاش‌هایی صورت گرفت. برخی نویسندگان فرانسوی نیز با تأکید بر برخی مزایای غیرقابل انکار مطالبه خسارت معنوی در حقوق آمریکا، از آن دفاع کرده‌اند. البته بر ضرورت انطباق این دعاوی با برخی اصول اساسی نظام حقوقی فرانسه تأکید شده است.^۱

این تلاش‌ها موجب تصویب قانون جدید مصرف‌کننده فرانسه با عنوان قانون هامون در ۱۷ مارس ۲۰۱۴ شد. این قانون به‌نوعی مطالبه خسارت معنوی را درحوزه حقوق مصرف‌کننده وارد حقوق فرانسه کرده است. با وجود این، بررسی این قانون مؤید آن است این دعاوی را باید دعاوی نمایندگی دانست. به‌موجب این قانون سازمان‌های مصرف‌کننده می‌توانند برای ضررهای معنوی متحمل شده توسط اشخاصی که در وضعیت مشابه یا یکسان هستند، مطالبه خسارت کنند. مطابق این قانون در مواردی امکان اقامه دعوی گروهی از طرف سازمان‌ها برای مطالبه خسارت‌های فردی اشخاصی وجود دارد که ثابت شود اشخاصی به دلیل نقض

1. Ibid, p.28.

تعهدات قراردادی یا قانونی در زمینه فروش کالا یا ارائه خدمات یا نقض قانون رقابت توسط همان خواننده در وضعیت مشابه یا یکسان قرار دارند. در سال ۲۰۱۶ با تصویب قانون سلامت (لوراسا و میشل، پیشین: ۱۰۹؛ ژوردن و پاتریس، پیشین: ۱۹۵). اقدام مشابهی جهت پذیرش مطالبه خسارت معنوی در زمینه بهداشت و سلامت عمومی صورت گرفت.

ارزیابی خسارات معنوی ناشی از صدمات جسمی یا به‌طور کلی ارزیابی خسارات معنوی یکی از مشکلات مهم در زمینه مسئولیت مدنی است که از آن به بحران مسئولیت مدنی تعبیر شده است. برخی از حقوق دانان اروپایی برای حل این بحران پیشنهاد تعیین مبلغ معین و ثابت بر اساس نوع خسارت وارده را برای جبران این نوع خسارت داده‌اند. از سوی دیگر در حقوق فرانسه، جبران مالی صدمات روحی با ایراد برخی نویسندگان را برانگیخته است، زیرا رفتار این قربانیان را که اشک را با پول عوض می‌کنند و غم خود را با پول خشک می‌کنند، مکروه می‌دانند. «اگرچه در بسیاری از قوانین و مقررات، معیارهای خاصی برای ارزیابی خسارت معنوی ارائه نشده است»، اما بر اساس بند (۲) ماده ۳۰۱/۱۰ اصول مسئولیت مدنی اروپا و رویه قضایی دادگاه‌های اروپا، معیارهایی مانند شرایط و اهمیت آسیب اخلاقی، مدت و شدت درد جسمی و روحی، اختلالات و ناراحتی‌های متحمل شده به قربانی، محدودیت ایجاد شده برای آزادی‌های قربانی و... می‌تواند برای ارزیابی مالی آسیب معنوی مورد استفاده قرار گیرد. امروزه در نظام حقوقی فرانسه جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از صدمات جسمی بر اساس فهرستی به نام «فهرست دینیاک» صورت می‌گیرد (افشار، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

«جبران کامل آسیب‌های ناشی از عمل تخطی‌آمیز اشخاص می‌تواند به‌صورت برگشت حالت گذشته، خسارت، جلب رضایت زیان‌دیده و توقف رفتارهای متخلف، به‌تنهایی یا ترکیبی از اینها به شمار می‌آید.» (حسینی‌نواز، ۱۳۹۱: ۷۱). باید گفت که برگشت اوضاع به حالت پیشین محدودیت‌هایی چون غیرممکن بودن آن در مواردی از لحاظ مادی و حقوقی و خارج از توان بودن اجرای آن برای دولت متخلف را به دنبال خواهد داشت. عدم امکان جبران مادی می‌تواند به خاطر اتلاف اموال یا تخریب غیرقابل‌ترمیم کالا یا چیزی باشد که باید رجوع شود. در مورد خسارات وارد شده ناشی از ارسال امواج پارازیتی و اختلال در مسیر

کشتی‌ها، دولت‌ها باید بیان کرد این غرامت و آسیب‌ها به‌راحتی قابل‌ارزیابی نیستند و در اکثر اوقات، برقراری دوباره یا برگشت وضعیت سابق میسر نیست. مثلاً ارسال امواج الکترومغناطیس از طریق کشتی‌های نفتی می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر روی سلامتی و بهداشت اشخاص بگذارد که نشانه‌های آن سال‌ها بعد معین خواهد شد؛ بنابراین ایجاد رابطه سببیت بین این آسیب‌ها و فعالیت‌های زیانبار الکترومغناطیس در دریاها در صورت غیرممکن نبودن، بسیار دشوار خواهد بود.

با توجه به دلایل فوق در اغلب موارد پرداخت غرامت جایگزین اقدامات اعاده به وضع سابق می‌شود. در واقع می‌توان گفت جبران خسارات آن‌گونه که در زمینه مسئولیت اعمال منع نشده بین‌المللی به‌کار رفته مفهوم محدودی یافته است. پروفیسور باکستر این مطلب را به‌عنوان محملی برای اطمینان یافتن از تعادل قابل‌قبول منافع بین حاکمیت‌ها در تقابل می‌داند و در نتیجه در طرح کلی خود تنها مذاکره یک رژیم کنترل و پرداخت غرامت در صورت انطباق با سهم قابل‌انتظار طرفین را پیش‌بینی کرده است. همچنین هیچ تعهد مطلق برای عدم ادامه فعالیت زیان‌آور یا اعاده وضع به سابق یا جبران کامل غرامت برای آسیب وارده وجود ندارد. در پایان باید توجه داشت که پرداخت خسارت معنوی نباید وسیله تحصیل مال تلف شده تلقی شود. هدف از جبران خسارت معنوی، جلب رضایت اخلاقی معنی‌علیه به دلیل درد و رنجی است که متحمل شده است، نه جلب رضایت مالی وی. بر این اساس، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر برای تعیین خسارت معنوی دو اصل «انصاف» و «تناسب» را در نظر می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله در اصول ۳۹ و ۴۰ ایراد هرگونه ضرر و خسارت ممنوع شده و طبق اصل ۲۲ و ۲۳ و ۳۲ قانون اساسی، لطمه به حقوق معنوی انسان‌ها ممنوع شده است و اگر خسارتی به حیثیت و شرافت و سرمایه معنوی کسی وارد آید طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی باید جبران شود و در قوانین عادی نیز تلویحاً و یا با‌الصراحه اشاراتی راجع به خسارت معنوی شده است که این امر نشانگر توجه شایان قانون‌گذار ما به موضوع خسارت معنوی است. بحث ضررهای قابل‌مطالبه در سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای یافته و مورد توجه خاص حقوق‌دانان و فقها قرار گرفته است و آرای قضایی بسیاری راجع به

آن صادر شده است. ضررهای قابل مطالبه به‌طورکلی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. مادی؛ ۲. معنوی. صدمه‌های بدنی را باید زبانی میان آن دو گروه به شمار آورد، چون هر دو چهره مادی و معنوی را دارا است، و در خصوص قابل مطالبه بودن این نوع از ضرر هم اشاره شده است.

جبران ضرر ضرردیده امواج الکترومغناطیس در حدود مباحث مسئولیت مدنی وقتی عامل ورود ضرر مشخص باشد، از قضیه منطقی «عامل ضرر به غیر مکلف به ترمیم ضرر است» پیروی می‌کند. قضیه اما آنجا وارد چالش می‌شود که علم اجمالی نسبت به وجود چند عامل محقق است؛ اما دقیقاً مشخص نباشد کدام‌یک از آن‌ها عامل اصلی ورود ضرر است. این عامل مجهول از بین چند عامل مصدر تأسیس حقوقی «عامل مجمل» است. دو رویکرد در این مورد اتخاذ شده است. در دکترین حقوق یک رویکرد مؤکد بر اینکه مسئولیت مدنی مبتنی بر رابطه عاملیت است و مجهول بودن عامل موجب نقص در معادله‌ی تسبیب است، بر سلب مسئولیت از تمام عوامل متعدد می‌رود.

قائلین به رویکرد دوم اما مؤکد بر لزوم توازن میان رابطه عاملیت و ضرورت حمایت از ضرردیده راهکارهایی برای جبران ضرر ضرردیده ارائه می‌کنند که بررسی آن‌ها در نظام حقوقی ایران و فرانسه ماده‌ی اصلی مباحث پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. چنان که قضیه از منظر فقه امامیه و قوانین ناظر بر حدود مسئولیت مدنی و ملزومات و بایسته‌های آن در دایره سامان حقوقی ایران مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی واقع شده و ضمن پرداخت به مفاهیم و تأسیسات اساسی متشکل موضوعی ضمان قهری، نهایتاً به این نتیجه می‌انجامد که در نظام حقوق مسئولیت مدنی ایران هرچند می‌توان با تعمیم برخی اصول تئوریک فقهی و حقوقی و ضوابط به تفسیر و تقدیر عملی محاکم رفع تحیر کرد؛ اما اصل قضیه در نظام داخلی مسکوت است و ترمیم این شکاف چه از مسیر تقنین (چه بسا اجتهاد) و چه از مسیر رویه‌ی قضایی امر ناگزیر و محتوم است. اما در زمینه نوع شیوه جبران آن تفاوت‌های دیدگاه وجود دارد فقهای عامه بیشتر به امکان جبران مالی خسارت‌های معنوی توجه داشته درحالی که فقهای امامیه بر شیوه‌های غیرمالی آن تأکید بیشتری می‌نمایند. درحالی که خسارت‌دیده معنوی، ضرری است محقق و مسلم که مطالبه آن منطبق با قواعد حقوقی است و با توسل به قواعد عام مسئولیت مدنی و قاعده لا ضرر باید از ضرورت جبران خسارت‌دیده معنوی ناشی از

انتشار امواج الکترومغناطیس دفاع نمود و نامحصور بودن زیان‌دیدگان نباید موجب از بین رفتن حق مطالبه خسارت شود. از این رو ضرورت وضع قوانینی کارآمد در این راستا به وضوح احساس می‌شود.

برای رفع آثار خسارت معنوی و نیز جلوگیری از تکرار چنین عملی در فقه اسلامی مجازات تعیین شده و آن را به‌عنوان تعزیر در اختیار حاکم اسلامی قرار داده است. پس می‌توان بیان داشت که جبران مالی و انواع جبران‌های غیرمالی به‌منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه و حقوق اسلامی قابل دفاع است و علاوه بر آن حاکم اسلامی می‌تواند مجازات‌هایی برای تأدیب ایرادکننده‌ی ضرر معنوی تعیین کند. بنابراین با در نظر گرفتن ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری به نظر می‌رسد می‌توان رأی به جبران خسارت عدم نفع خسارت دیده معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس داد؛ از سویی دیگر در نظام بین‌المللی دولت‌ها مطالبه عدم‌النفع در این نظام به خسارتی غیرقابل‌انکار مبدل گشته است. لازم به ذکر است مطالبه تمام اشکال عدم‌النفع منوط به تحقق شرایط محدودکننده خسارت معنوی ناشی از انتشار امواج الکترومغناطیس از قبیل وجود رابطه علیت، قابل پیش‌بینی بودن آن و رعایت تکلیف تقلیل خسارت است.

در سیستم‌های حقوقی کشور فرانسه راهکارهایی برای جبران خسارت معنوی در نظر گرفته شده است. اما معیار ثابت و مشخصی برای روش‌های جبران خسارت معنوی وجود ندارد. در ایران هنوز در شرعی بودن مطالبه این‌گونه خسارات و نحوه جبران آن شک و تردید است. در صورتی که ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم جزء مهمی از خسارات ناشی از جرم است. در قانون مدنی دو کشور ایران و فرانسه قوانین مربوط به خسارت معنوی و نحوه جبران آن به‌صورت کلی نوشته شده و قانون‌گذار اشاره به شخص خاصی نکرده است. لازم به ذکر است که ساختار کلی مسئولیت مدنی ارسال‌کنندگان امواج در حقوق ایران و فرانسه در مبنا مشابه هم هستند؛

در حقوق ایران، عمد و بی‌احتیاطی دو موجب مستقل برای دعاوی مسئولیت مدنی است. از طرفی مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه، تقصیر عامل ضرر یا خطری که ایجاد نموده مبنا قرار گرفته که در شباهت حداکثری با حقوق ایران است. مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی شرکت‌های خصوصی ارسال‌کنندگان امواج الکترومغناطیسی در ایران و فرانسه با چالش‌هایی مبنایی (در حوزه تقصیر و عامل ضرر) و ساختاری در پرتو

قوانین مدون و رویه‌های موجود مواجه است و هنوز پاسخ قانع‌کننده‌ای به تعیین سبب مسئول در خسارت الکترومغناطیس در موارد اجمال داده نشده است و در این خصوص به نظر می‌رسد به غیر از مواردی که مقرر قانونی خاصی با الهام از برخی نظریات نظیر نظریه خطر، مسئولیت محض، تضمین حق و... برای خواننده یا خوانندگان، مسئولیت ضرر وارده را تحمیل می‌کند یا به جز در مواردی که قانون‌گذار با استفاده از برخی امارات یا فروض نظیر فرض سببیت، خواننده را ملزم به جبران خسارات زیان‌دیده می‌کند، نمی‌توان با استفاده از قرعه و... حکم به مسئولیت خوانندگان نمود. در موضوع ابهام نیز در قابل جبران بودن آن نباید تردید نمود، زیرا تمام شرایط قابل جبران بودن آن و به تعبیری ایجاد مسئولیت وجود دارد. در خاتمه باید به این نکته نیز اشاره کرد که پذیرش مطلق جبران خسارت معنوی نظام حقوقی ما را دچار بحران به اصطلاح مسئولیت مدنی خواهد نمود. به نظر می‌رسد لازم است قانون‌گذار علاوه بر دستور کلی برای جبران خسارات معنوی، مقرراتی را برای تعیین میزان و نحوه جبران خسارت معنوی وضع نماید.

فهرست منابع

- افشار، حسن (۱۴۰۰). **جبران خسارت معنوی در حقوق ایران**. تهران: مجد.
- امیری، احمد؛ مبین، حجت؛ خورسندیان، محمدعلی و حیدری، سیروس (۱۴۰۰). «مسئولیت مدنی ناشی از آسیب به شخصیت مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس». **پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، دوره ۸، شماره ۳.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵). **کتاب المکاسب**. جلد ۳، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول. پروین، فرهاد (۱۳۹۰). «خسارت معنوی در حقوق ایران»، تهران: ققنوس.
- پورنوری، منصور و حبیبی، محمد (۱۳۸۶). **حقوق بین‌الملل دریاها کنوانسیون حقوق دریاها**. چاپ سوم، تهران: مهد حقوق.
- توپا ابراهیمی، شبیر (۱۳۹۸). **درآمدی بر خسارت معنوی**. تهران: آثار اندیشه.
- جلالی، محمود (۱۳۸۸). «تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست و مشکلات آن». **مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)**، دوره ۳۹، شماره ۱.
- حسینی نواز، سید علی (۱۳۹۱). **سیستم حل و فصل اختلافات در کنوانسیون ۱۹۸۲**. رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- دبیری، فرهاد؛ خلعتبری، یلدا و زارعی، سحر (۱۳۹۷). «دستیابی به توسعه پایدار از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست». **انسان و محیط‌زیست**. دوره ۱۶، شماره ۱.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست». **پژوهش‌های حقوقی**، سال ۱، شماره ۱.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵). **اصول مسئولیت مدنی**، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
- سلیمی، زهرا (۱۳۹۰). **مسئولیت ناشی از آلودگی نفتی در حقوق ایران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- شید، بابک (۱۳۹۱). «مسئولیت مدنی متصدی حمل و نقل دریایی مواد خطرناک». **تحقیقات حقوقی بین‌المللی**، دوره ۵، شماره ۱۸.
- صفائی، حسین (۱۳۹۹). **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**. تهران: سمت.
- عسگری، علیرضا و حسینی، هادی (۱۳۹۳). «مسئولیت مالک کشتی و شرایط بیمه‌ای آن». **تحقیقات حقوقی بین‌المللی**، دوره ۲۳، شماره ۷.

- قاسمی، ناصر و حیدری، فلورا (۱۳۹۰). «بررسی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، مقاله ۱۶، دوره ۱۳، شماره ۳۴.
- کوشه، ژرالد؛ لانگلد، جان، لبو، دانیل (۱۳۹۱). **آیین دادرسی مدنی فرانسه**. ترجمه: احمدعلی هاشمی، تهران: دادگستر.
- گرشاسبی، علی (۱۳۸۹). **مسئولیت مدنی ناشی از خسارات آلودگی نفتی در دریای آزاد**. پایان نامه درجه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. گروه حقوق خصوصی. دانشگاه تهران.
- لوراسا، میشل (۱۳۷۵). **مسئولیت مدنی**. ترجمه محمد اشتری، تهران: حقوقدان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۰). **قواعد فقه (بخش مدنی)**. چاپ پنجاه و هشتم، تهران: اسلامیه.
- مؤمنی راد، احمد؛ امیرخانی، آزاده و تیموری، زهره (۱۳۹۵). «حفظ محیط زیست محیطی بشر در قراردادهای نفتی». **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۱۳۰-۱۱۳.
- نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). **خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر**. پایان نامه دکتری تهران: امیرکبیر.
- نیک نام، زهرا (۱۳۹۲). «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق». شماره ۱۱، تهران: **مجله فقهی و حقوقی**.
- وفادار، علی (۱۳۸۶). «تعهد و مسئولیت دولت ها در رعایت محیط زیست». **علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره ۹، شماره ۱.
- وکیل زاده، رحیم (۱۳۹۶). «کرامت انسان در حقوق اسلام». شماره ۸، تهران: **ادیان و عرفان، علوم اسلامی**.
- یدایی امنا، محسن (۱۳۸۹). **رویکرد نظام مسئولیت بین المللی دولت ها در خسارت های زیست محیطی**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- یزدانیان، علیرضا و حبیبیان، هدیه (۱۳۹۳). «مسئول جبران خسارات ناشی از حوادث هسته ای در کنوانسیون های بین المللی و حقوق ایران». **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره ۶، شماره ۲.

References

- Andrews, C. & Vernon, N (2021). *Psychiatric Injury in Aviation Accidents under the Warsaw and Montreal Conventions: The Interface between Medicine and Law*, Air L. & Com. 3.
- Estephan, D. P. , & Milde, M (2019). *International Air Carrier Liability: The Montreal Convention of 1999*, Mc Gill University, Canada.
- Magnier, Véronique. (2006). *Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation*, Protocol for National Reporters, France(2006). p5.
- Cerutti, Guillaume & Guillaume, Marc. *Rapport sur l'Action de Groupe*(2005). P. 22
- Sivignon, Jacques & Xavier. Nyssen, *The International Comparative Legal Guide to Class and Group Actions*, Global Legal Group(2018)p. 89.

- Magnier, Véronique. *Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation, Protocol for National Reporters, France*(2016). p5. -Cerutti, Guillaume & Guillaume, Marc. *Rapport sur l'Action de Groupe*(2016). P. 22.
- haze, A (2018). *Indemnisation du préjudice moral de l'enfant né 43. postérieurement au décès de son père.* *Journal Spécial des Sociétés*
- Le préjudice moral en droit de la responsabilité , H (2019). Gali 44.

In Persian

- Afshar, Hassan (1400SH). "Compensation for Moral Damage in Iranian Law". Tehran, Majd.
- Amiri, Ahmad; Mobin, Hojjat; Khorsandian, Mohammad Ali; Heydari, Sirous (1400 SH). "Civil Liability for Personal Injury: A Comparative Study in Imamiyya Jurisprudence, Iranian and English Law". *Comparative Research on Islamic and Western Law*, 8(3), 1-32.
- Ansari, Sheikh Morteza (1415AH). "The Book of Al-Makasib". Volume 3, Qom: World Congress in Commemoration of Sheikh Azam Ansari, First Edition.
- Parvin, Farhad (1390 SH). "Moral Damage in Iranian Law", Tehran, Qognos.
- Pooroori, Mansour; Habibi, Mohammad (1386 SH). "International Law of the Sea: Convention on the Law of the Sea". Third Edition, Tehran, Mahd Hogogh.
- Topa Ebrahimi, Shobir (1398 SH). "An Introduction to Moral Damage". Tehran, Asar Andishe.
- Safai, Hossein, (1399 SH), "Civil Liability (Non-Contractual Obligations)". Tehran, Samt.
- Jalali, Mahmoud (1388 SH). "Establishment of the International Environmental Court and Its Problems". *Private Law Studies (Law)*, 39(1), 63-85.
- Hosseini Nawaz, Seyed Ali (1391 SH). "Dispute Resolution System in the 1982 Convention". PhD Thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University.
- Dabiri, Farhad; Khalatbari, Yalda; Zarei, Sahar (1397 SH). "Achieving Sustainable Development from the Perspective of International Environmental Law". *Man and Environment*. Volume 16, Issue 1, pp. 63-73.
- Zamani, Seyed Ghasem (1381SH). "Development of International Liability in the Light of International Environmental Law". *Legal Research*, Year 1, Issue 1, pp. 58-27.
- Jourdan, Patrice; (1385 SH). "Principles of Civil Liability", translated by Majid Adib, Tehran, Mizan.
- Salimi, Zahra (1390 SH). "Liability of Oil Pollution in Iranian Law". Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Sheid, Babak (1391SH). "Civil Liability of the Operator of Dangerous Goods by Sea". *International Legal Research*, Volume 5, Issue 18, pp. 112-85.
- Asgari, Alireza; Hosseini, Hadi (1393SH). "Shipowner's Liability and its Insurance Conditions". *International Legal Research*, Volume 23, Issue 7, pp. 156-131.
- Couchez, Gérard;** Langland, John; Lebo, Daniel (1391SH). "French Civil Procedure". Translated by Ahmad Ali Hashemi, Tehran, Dadgostar.
- Gershasbi, Ali (1389SH). "Civil Liability for Oil Pollution Damages in the High Seas". Master's Thesis, Faculty of Law and Political Science. Department of Private Law. University of Tehran.
- Laurassa, Michel (1375SH). "Civil Liability". Translated by Mohammad Ashtari, Tehran, hogogdan.
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa (1400SH). "Rules of Jurisprudence (Civil Section)". Fifty-eighth edition, Tehran, Islamieh.

- Momeni-Rad, Ahmad; Amirkhani, Azadeh; Teymouri, Zohreh (1395SH). "Protecting the Human Environment in Oil Contracts". *Bi-Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, Year 5, Issue 11, pp. 113-130.
- Naghibi, Abolghasem (1388SH). "Moral Damages in Islamic Law, Iran and Contemporary Legal Systems". PhD Thesis, Tehran, Amirkabir.
- Niknam, Zahra (1392SH). "Compensation for Moral Damages in Jurisprudence and Law". Issue 11, Tehran, *Jurisprudence and Law Journal*.
- Vakilzadeh, Rahim (1396SH). "Human Dignity in Islamic Law". Issue 8, Tehran, *Religions and Mysticism, Islamic Sciences*.
- Vafadar, Ali (1386SH). "The Commitment and Responsibility of States in Respecting the Environment". *Environmental Sciences and Technology*, Volume 9, Issue 1, pp. 101-110.
- Yadai Amnab, Mohsen (1389SH). "The Approach of the International Responsibility System of States in Environmental Damages". Master's Thesis, Shahid Beheshti University.
- Yazdani, Alireza; Habibian, Hedieh (1393SH). "Responsible for Compensation of Damages Caused by Nuclear Accidents in International Conventions and Iranian Law". *Journal of Legal Studies*, Shiraz University, Volume 6, No. 2.
- Ghasemi, Nasser and Heidari, Flora (2011). "Investigating Civil Liability for Environmental Damages", *Quarterly Journal of Public Law Research*, Article 16, Volume 13, Number 34.